

چالش گاز طبیعی در کشور آینده گاز و راهکارهای پیشنهادی

سخنران:

دکتر حامد حوری جعفری (عضو هیئت علمی مؤسسه مطالعات بین‌المللی انرژی)

عضو پنل:

دکتر مهران امیرمعینی (معاون بازاریابی و عملیات گاز امور بین‌الملل شرکت ملی نفت ایران)

محمدرضا کثیری (بنیان‌گذار مؤسسه سولوشن انرژی)

دبیر جلسه:

دکتر علی متوسلی (عضو هیئت علمی مؤسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه‌ریزی)

۱۴۰۱/۰۴/۰۶

مطالب مندرج در این گزارش منحصرآ گفته‌های سخنرانان است و به هیچ‌وجه منعکس‌کننده نظر مؤسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه‌ریزی نیست.



نکات اصلی

- طی ۱۰ سال گذشته، ۴ سیاست اشتباه شامل ۱- گازرسانی حداکثری و جایگزینی گاز به جای نفت، ۲- عدم ذخیره‌سازی گاز، ۳- قیمت‌گذاری و تعرفه‌گذاری ناکارآمد و ۴- کسری منابع حاصل از قانون هدفمندی یارانه‌ها، سبب ناترازی گاز در کشور شده است. با ادامه روند کنونی مصرف گاز به ویژه در ماه‌های سرد سال و عدم کفایت درآمدهای صنعت گاز و عدم سرمایه‌گذاری کافی، قطعاً در چند سال آینده تراز منفی گاز تشدید و کشور برای تامین نیازهای داخلی و انجام تعهدات صادرات گاز به کشورهای همسایه با مشکل مواجه خواهد شد.
- راهکار برون رفت از این مشکل، در یک سناریو شامل اعمال همزمان سیاست‌های قیمتی (اصلاح قیمت سوخت‌های مایع و گاز طبیعی) و سیاست‌های غیرقیمتی (سیاست‌های بهینه‌سازی و صرفه‌جویی مصرف گاز) بررسی شده است. طی این سناریو، تراز گاز طبیعی با افزایش تدریجی قیمت سوخت‌های مایع طی ۱۰ سال، تا سال ۱۴۱۰، و گاز طبیعی نیز طی ۱۵ سال، تا سال ۱۴۱۵ محاسبه شده است. در این سناریو فرض شده است که قیمت پنج فرآورده اصلی شامل بنزین، نفت گاز، نفت سفید، نفت کوره و گاز مایع به صورت تدریجی افزایش یابد تا به قیمت FOB خلیج فارس (با فرض قیمت نفت خام بشکه‌ای ۶۰ دلار) عرضه گردد. قیمت گاز طبیعی نیز تا سال ۱۴۱۵ به طور تدریجی افزایش یابد تا به قیمت معادل صادرات گاز به ترکیه برسد. همچنین، متوسط رشد اقتصادی ۵،۶ و نرخ رشد جمعیت ۱،۱ درصد در نظر گرفته شده است. به علاوه، فرض شده است که تولید با حداکثر توان انجام شود و سرمایه‌گذاری لازم هم حدود ۸۰ میلیارد دلار، یعنی حداقل به میزان ۳۰ میلیارد دلار تا سال ۱۴۱۰ برای طرح‌های تقویتی میادین در حال بهره‌برداری و ۵۰ میلیارد دلار تا سال ۱۴۲۰ به منظور توسعه میادین جدید صورت پذیرد. بر اساس این سناریو پیش‌بینی می‌شود که ما طی دو دهه آینده تراز منفی گاز نخواهیم داشت و در سال ۱۴۲۰ تراز گاز در کشور در حوالی صفر باشد.
- باید توجه داشت که در سناریوی بالا، فرض تحقق سرمایه‌گذاری هنگفت ۸۰ میلیارد دلاری جای تردید دارد و عملاً این سناریو را تبدیل به یک سناریوی خوش‌بینانه کرده است و طبیعتاً بدون این سرمایه‌گذاری، تراز گاز حتی با اصلاح قیمتی، منفی خواهد شد.

نشست "چالش گاز طبیعی در کشور: آینده گاز و راهکارهای پیشنهادی" با سخنرانی آقای دکتر حامد حوری جعفری (عضو هیئت علمی مؤسسه مطالعات بین‌المللی انرژی) و با حضور آقایان دکتر مهران امیرمعینی (معاون بازاریابی و عملیات گاز امور بین‌الملل شرکت ملی نفت ایران) و محمدرضا کثیری (بنیان‌گذار مؤسسه سولوشن انرژی) به عنوان عضو پنل و با شرکت جمعی از کارشناسان و علاقه‌مندان در تاریخ ۱۴۰۱/۰۴/۰۶ به صورت آنلاین برگزار گردید.

دکتر علی متوسلی

طی یک سال اخیر و به خصوص از ابتدای سال جاری میلادی، بازار جهانی گاز بسیار متلاطم بوده است. قیمت‌ها اکنون در محدوده‌ای قرار دارند که ظرف ۱۰ سال اخیر بی‌سابقه بوده است. به طور خاص، قیمت‌ها در هاب‌های اروپایی خیلی بالا رفته است. افزایش قیمت، کشورهای واردکننده گاز را تحت تاثیر قرار می‌دهد و هزینه انرژی را برای آن‌ها افزایش می‌دهد. اما ما هم که یکی از کشورهای غنی در منابع گازی هستیم وضعیت باثباتی نداشته‌ایم. به طور خاص، در یک دوره، مسئله قیمت‌گذاری گاز بسیار جدی شد و شرکت‌هایی که مواد اولیه تولیدشان گاز طبیعی بود، مانند شرکت‌های پتروشیمی، در شرف زیان‌دهی بودند. این اتفاق، بحث سیاست‌گذاری را پیش کشید که گاز طبیعی چطور باید قیمت‌گذاری شود. علاوه بر قیمت‌گذاری، مسئله توسعه زیرساخت‌ها و ظرفیت‌های تولید گاز هم موضوع دیگری است که در کانون توجه قرار گرفت. با وجود اینکه ما به عنوان یکی از کشورهای دارای ذخایر فراوان گازی مطرح هستیم، در روزهای سرد سال با قطعی گاز مواجه هستیم. بنابراین، مسئله گاز طبیعی حتی برای ما که صادرکننده آن محسوب می‌شویم نیز، هم از نظر قیمت‌گذاری و هم از نظر سرمایه‌گذاری، یک مسئله مهم سیاست‌گذاری است. اینکه برای بازار گاز، چه در منطقه و چه در داخل کشور، چه مسیری را متصور هستیم و از نظر سیاستی چه باید کرد تا حداکثر استفاده را از این منبع طبیعی در کشورمان ببریم، موضوعی مهم و محور اصلی نشست امروز است.

دکتر حامد حوری جعفری

این ارائه متمرکز بر موضوع تراز تولید و مصرف گاز طبیعی در ایران بر اساس گزینه‌های بهینه‌سازی (قیمتی و غیرقیمتی) در ماه‌های سرد و عادی سال تا افق ۱۴۲۰ خواهد بود. با مروری بر آمار وضع موجود، شاهد آن هستیم که بیش از ۷۰ درصد انرژی مورد نیاز کشور از طریق عرضه گاز طبیعی تامین می‌گردد. تا پایان سال ۱۳۹۸، تعداد ۱۱۸۰ شهر و بیش از ۳۲ هزار روستا از نعمت گاز طبیعی برخوردار شده‌اند. در سال ۱۳۹۷، بیشترین میزان مصرف گاز با حدود ۳۲ درصد در بخش نیروگاهی و بعد از آن با حدود ۲۸ درصد در بخش خانگی بوده است. اختلاف مصرف گاز بین ماه‌های سرد و عادی سال به طور میانگین حدود ۱۹۳ و بیشینه آن ۲۵۰ میلیون متر مکعب در روز است. بر این اساس، برای تامین انرژی در ۵ ماه سرد سال اقداماتی از قبیل مدیریت تامین سوخت با عرضه سوخت مایع (حدود ۷۰ میلیون متر مکعب در روز عرضه سوخت معادل مایع به نیروگاه‌های حرارتی و ۱۵ میلیون به صنایع سیمان و پالایشگاه‌ها)، کاهش صادرات (حدود ۲۰ میلیون متر مکعب در روز)، تولید حداکثری مطابق برنامه (حدود ۱۲۰ میلیون متر مکعب در روز) و سرانجام، کاهش تزریق، انجام شده است. با ادامه روند کنونی مصرف گاز

به ویژه در ماه‌های سرد سال، قطعاً در چند سال آینده نیز روند تراز منفی گاز تشدید خواهد شد و کشور برای تامین نیازهای داخلی و انجام تعهدات صادرات گاز به کشورهای همسایه با مشکل مواجه خواهد شد.

در موسسه مطالعات بین‌المللی انرژی با بکارگیری نرم‌افزارهای مدل‌سازی انرژی، بخش‌های مختلف از لحاظ عرضه و تقاضا شبیه‌سازی شده و در نهایت در سه سناریو مختلف، آینده بخش گاز در حوزه‌های تولید و مصرف پیش‌بینی شده است.

بر پایه نتایج به دست آمده از این شبیه‌سازی، در صورت ادامه روند موجود، وضعیت کنونی بدون انجام برنامه‌های اصلاحی تداوم می‌یابد که منجر به تشدید شرایط نامطلوب حاضر در آینده خواهد شد. طبق سناریوی ادامه روند موجود که با لحاظ حداکثر توان تولید و سرمایه‌گذاری لازم محاسبه شده است، کل مصرف گاز در کشور از متوسط ۶۵۷ میلیون متر مکعب در روز در سال ۱۳۹۷ به حداقل ۱۴۱۰ میلیون متر مکعب در روز در سال ۱۴۲۰ خواهد رسید. متوسط اختلاف مصرف بین ماه‌های سرد و عادی ۱۵۸ میلیون متر مکعب در سال ۱۳۹۷ بوده است که به ۲۵۵ میلیون متر مکعب در سال ۱۴۲۰ افزایش می‌یابد. در بخش تقاضای گاز، بیشترین رشد مصرف مربوط به بخش‌های کشاورزی، پتروشیمی و تجاری - عمومی خواهد بود. در بخش‌های خانگی، تجاری - عمومی و صنایع غیرعمده میزان مصرف گاز از حدود ۲۲۸ میلیون متر مکعب روزانه در سال ۱۳۹۷ به ۴۴۲ میلیون متر مکعب روزانه در سال ۱۴۲۰ می‌رسد. همچنین نیاز واردات گاز در سال ۱۴۲۰ حدود ۵۱۲ میلیون متر مکعب در روز پیش‌بینی شده است.

در سناریو دوم فرض شده است که سیاست‌های بهینه‌سازی و صرفه‌جویی مصرف گاز طبیعی (سیاست‌های غیرقیمتی) و کلیه طرح‌ها و مقررات مرتبط به طور کامل اعمال شود. این سیاست‌ها در ۵ بخش شامل ۱- سیاست‌های فرهنگ‌سازی بهینه‌سازی، ۲- بهینه‌سازی در بخش ساختمان (خانگی، تجاری و اداری)، ۳- بهینه‌سازی در بخش صنعت، ۴- بهینه‌سازی در نیروگاه‌های حرارتی و توسعه نیروگاه‌های اتمی، تجدیدپذیر و زغال‌سنگ‌سوز و ۵- سیاست‌های مرتبط با حمایت از توسعه شرکت‌های دانش‌بنیان، استارت‌آپ‌ها و شرکت‌های خدمات انرژی، در نظر گرفته شده است. در این سناریو، متوسط رشد اقتصادی ۵،۶ و نرخ رشد جمعیت ۱،۱ درصد در نظر گرفته شده است. به علاوه، فرض شده است که تولید با حداکثر توان انجام شود و سرمایه‌گذاری لازم هم مانند سناریوی اول حدود ۸۰ میلیارد دلار، یعنی حداقل به میزان ۳۰ میلیارد دلار تا سال ۱۴۱۰ برای طرح‌های تقویتی میادین در حال بهره‌برداری و ۵۰ میلیارد دلار تا سال ۱۴۲۰ به منظور توسعه میادین جدید صورت پذیرد. نتایج حاصل از سناریو دوم بهتر از سناریو اول است اما در سال ۱۴۲۰ باز هم تراز گازی کشور حدود منفی ۸۵ میلیون متر مکعب در روز خواهد بود.

در سناریوی سوم، تراز گاز طبیعی با افزایش تدریجی قیمت سوخت‌های مایع طی ۱۰ سال تا سال ۱۴۱۰ و گاز طبیعی نیز طی ۱۵ سال تا سال ۱۴۱۵ به همراه اعمال سیاست‌های غیرقیمتی، محاسبه شده است. در این سناریو فرض شده است که قیمت پنج فرآورده اصلی شامل بنزین، نفت گاز، نفت سفید، نفت کوره و گاز مایع به صورت تدریجی افزایش یابد تا به قیمت FOB خلیج فارس (قیمت نفت خام بشکه‌ای ۶۰ دلار) عرضه گردد. قیمت گاز طبیعی نیز تا سال ۱۴۱۵ به طور تدریجی افزایش یابد تا به قیمت معادل صادرات گاز به ترکیه برسد. بر اساس این سناریو پیش‌بینی می‌شود که ما طی دو دهه آینده تراز منفی گازی نخواهیم داشت و در سال ۱۴۲۰ تراز گاز در کشور در حوالی صفر باشد.

دکتر مهران امیرمعینی

برای اینکه بتوانیم یک راهکار ارائه بدهیم بایستی پدیده را بشناسیم و بدانیم آنچه که امروز می‌بینیم حاصل چیزی است که در گذشته کاشته‌ایم. باید دید چه اتفاق‌هایی افتاده و چه تصمیم‌هایی گرفته شده که به این روز رسیده‌ایم و پیامد تصمیم‌هایی که می‌گیریم را بپذیریم.

نکته بسیار مهم در رابطه با مصرف انرژی و به خصوص گاز این است که ما یک سیاست را حداقل طی ۲۵ سال گذشته دنبال کرده‌ایم و آن جایگزینی گاز با نفت بوده است. بایستی از قبل پیش‌بینی می‌شد که تا کجا می‌توان چنین سیاستی را ادامه داد.

نکته دیگر نرخ رشد جمعیت است. بایستی بپذیریم اگر نرخ رشد بالای جمعیت می‌خواهیم، حتما مصرف انرژی‌مان افزایش پیدا می‌کند و حتی با اقدامات صرفه‌جویی انرژی نیز شاید نتوانیم مصرف انرژی را چندان کنترل کنیم. پدیده منفی دیگری رخ داده، مهاجرت از روستا به شهر است که تغییر الگوی مصرف را در پی دارد و به معضلات ما اضافه شده است. از یک طرف توسعه گازرسانی به شهرها و روستاها را داریم و از طرف دیگر می‌پرسیم که چرا مصرف گاز زیاد شده است. در بخش صنعت نیز هنگامی که انرژی‌بر را توسعه می‌دهیم پیامد آن افزایش مصرف انرژی خواهد بود. البته تثبیت قیمت انرژی نیز یکی از عوامل بوجود آمدن وضعیت کنونی است. عدم نظارت بر اجرای سیاست‌ها و استانداردهای انرژی سبب شده است که این سیاست‌ها و استانداردها به مرحله اجرا درنیاید تا تاثیر مثبت بر مصرف انرژی بگذارد. به علاوه کاهش درآمد سرانه سبب می‌شود که مردم به خرید کالاهای با راندمان انرژی پایین که ارزان‌تر هستند، روی آورند. همه این مسائل به هم تنیده شده است و اگر ما بخواهیم برای حل این چالش راهکاری بدهیم، بایستی تمام مباحث و مسائلی که منجر به ایجاد این وضعیت شده‌اند را در نظر بگیریم. نکته دیگر آن است که منابع مالی داخلی کفاف سرمایه‌گذاری‌های لازم در بخش گاز را نمی‌دهد و باید مجموعه‌ای متنوع از قراردادهای سرمایه‌گذاری را داشته باشیم تا سرمایه‌گذاری را برای سرمایه‌گذار جذاب کنیم. در نهایت باید در سیاست‌گذاری‌های جدید یک بازنگری در سبد مصرف انرژی‌مان انجام دهیم و سیاست جایگزینی نفت به جای گاز را بررسی کنیم.

محمدرضا کثیری

زنگ خطر کسری گاز با ادامه روندهای فعلی به صدا در آمده است. با وجود سرمایه‌گذاری حدود ۱۰۰ میلیارد دلاری در میدان عظیم پارس جنوبی، رشد شدید مصرف گاز طی سال‌های اخیر سبب شده است که تولید پاسخگوی این حجم مصرف نباشد. در زمستان ۱۴۰۰، مصرف ۸۷۰ میلیون متر مکعب گاز طبیعی به سطح حداکثر توان تولید پایدار گاز طبیعی کشور نزدیک شد و میزان تقاضای گاز تامین نشده از ۲۰۰ میلیون متر مکعب در روز عبور کرد. این در حالی است که با ادامه افت فشار در پارس جنوبی، روند افت تولید از این میدان از سال ۱۴۰۴ به میزان سالانه ۱ فاز معادل آغاز خواهد شد.

در سال‌های اخیر در بخش برق شاهد بازگشت به عقب در مصرف سوخت مایع هستیم. کسری در تأمین گاز به طور مستقیم بر بخش برق تأثیر گذاشته و نیروگاه‌ها را ناچار به استفاده از سوخت مایع کرده است. مصرف سوخت مایع نیروگاه‌ها در سال ۱۳۹۹ نسبت به سال ۱۳۹۶ حدود دو برابر شده و به رقم ۱۶ میلیارد لیتر رسیده است. این مسئله در کنار مشکلات آلودگی هوا در کلان شهرها، زیان سالانه حدود ۴ میلیارد دلاری را به همراه دارد. مصرف سوخت مایع حتی به فصول گرم سال هم رسیده است. به طوری که در تابستان ۱۳۹۹ روزانه ۳۵ میلیون لیتر توسط نیروگاه‌ها سوزانده شد، در حالی که فاصله تولید با ظرفیت بالقوه تولید گاز حدود ۲۰۰ میلیون متر مکعب در روز است.

طی ۱۰ سال گذشته ۴ سیاست اشتباه شامل ۱- گازرسانی حداکثری، ۲- عدم ذخیره‌سازی گاز، ۳- قیمت‌گذاری و تعرفه‌گذاری ناکارآمد و ۴- کسری منابع قانون هدفمندی یارانه‌ها، ما را در وضعیت کنونی قرار داده است.

سیاست گازرسانی حداکثری به تمام نقاط کشور سبب شده تا در حال حاضر ایران از کشورهای روسیه، آمریکا یا ترکیه سطح تحت پوشش بیشتری داشته باشد. نتیجه طبیعی این سیاست، وابستگی شدید سبد مصرف نهایی انرژی به گاز طبیعی است که در نتیجه مدیریت تأمین گاز در فصل سرد را به چالشی بزرگ تبدیل کرده است.

وابستگی شدید سبد مصرف نهایی انرژی کشور به گاز سبب شده تا مصرف در ماه‌های سرد معادل ۷ برابر مصرف تابستان شود و این در حالی است که تولید قابلیت انعطاف به این اندازه را ندارد. ذخیره‌سازی گاز به منظور استفاده در فصول سرد یک راه حل آزموده شده در دنیا می‌باشد. ذخیره‌سازی زیرزمینی گاز طبیعی، ذخیره به صورت مایع یا ذخایر هیدرات‌گازی از اصلی‌ترین گزینه‌های مورد استفاده در دنیا است. دسترسی آسان‌تر، ظرفیت بیشتر و ریسک کمتر، ذخیره‌سازی زیرزمینی را در مقایسه با گزینه‌های دیگر جذاب‌تر و بهتر کرده است.

در حال حاضر ذخیره‌سازی زیرزمینی گاز طبیعی در مخازن تخلیه شده نفت و گاز و یا برخی از ساختارهای زمین‌شناسی مثل گنبد نمکی در بسیاری از کشورها مورد استفاده قرار گرفته است. در ایران نیز حدود ۴۰ ساختار زمین‌شناسی با پتانسیل ذخیره‌سازی وجود دارد که در صورت بهره‌برداری از آنها، کسری ۲۰۰ میلیون متر مکعبی زمستان را می‌توان پوشش داد. ظرفیت ذخیره‌سازی در کشورهای اروپایی به طور میانگین ۲۲ درصد از گاز مصرفی، روسیه ۱۹ درصد، آمریکا ۱۶ درصد، ترکیه ۷ درصد و در ایران تنها ۱,۷ درصد است. عدم تأمین منابع مالی و نظام قراردادی نامناسب برای سرمایه‌گذاری بخش غیر دولتی دو عامل کلیدی در ظرفیت پایین ذخیره‌سازی ایران است.

قیمت واقعی گاز (با حذف اثر تورم) به جز یک بازه ثبات در دهه ۸۰ و جهش در قانون هدفمندی عمدتاً با کاهش مواجه بوده است. با اجرای قانون هدفمندی یارانه‌ها، قیمت گاز حدوداً ۳ برابر شد اما با عدم پایبندی به اجرای این قانون، قیمت در سال ۱۳۹۹ به یک دهم قیمت هدف‌گذاری شده در قانون هدفمندی رسید. بخش نیروگاهی با مصرف حدود یک سوم گاز طبیعی کشور، تعرفه ناچیزی معادل ۱۰ تومان در هر متر مکعب، معادل یک دهم تعرفه خانگی، را در مقایسه با سایر مصرف‌کنندگان دارد. پایین بودن تعرفه سوخت، انگیزه نیروگاه‌ها برای افزایش راندمان نیروگاه و کاهش مصرف سوخت را به شدت تحت تأثیر قرار داده است. با وجود هدف‌گذاری راندمان ۴۵ درصد در نیروگاه‌های حرارتی، راندمان ۳۷ درصد سال ۱۳۹۰ تنها ۲ درصد افزایش یافته و به ۳۹ درصد در سال ۱۳۹۹ رسیده است.

تبصره ۱۴ قوانین بودجه سالیانه مربوط به منابع و مصارف قانون هدفمندی است که طی سال‌های اخیر علی‌رغم ثابت ماندن قیمت حامل‌های انرژی و یارانه نقدی مصارف دیگری همچون یارانه کاغذ به آن اضافه شده و در نتیجه یک ناترازی رو به افزایش در آن ایجاد شده است. کسری منابع و مصارف هدفمندی موجب شده تا در سال‌های اخیر، سهم شرکت‌های بخش انرژی از جمله شرکت ملی گاز با تأخیرهای زیادی پرداخت شود. علاوه بر تأخیر در پرداخت‌ها، تغییر سازوکار جریان مالی که از سال ۱۳۹۷ پیش آمده، موجب شده تا دریافتی شرکت ملی گاز بابت فروش داخلی گاز، سال به سال کاهش باید به طوری که این شرکت در سال ۱۳۹۹ معادل ۲۶ درصد از درآمدهای گاز را دریافت نموده است.

با وجود هدف‌گذاری قانون هدفمندی برای افزایش قیمت گاز طبیعی، به دلیل کسری منابع این قانون، آنچه از درآمدهای فروش داخلی گاز سهم صنعت گاز شده است، در طی سال‌های پس از اجرا، به طور کلی کاهش یافته است. به طوری که درآمد این شرکت از فروش هر متر مکعب گاز از ۱۰۰ تومان در سال ۱۳۸۹ به ۵۸ تومان در سال ۱۳۹۹ رسیده است. این افت درآمدها موجب کاهش منابع سرمایه‌ای صنعت گاز شده که اثر بلندمدت آن در سرمایه‌گذاری ناکافی در پروژه‌هایی نظیر نگهداشت تولید و ذخیره‌سازی گاز، دیده خواهد شد.

پیش‌بینی مجموع درآمد صنعت گاز از تولید در سال ۱۴۰۰ حدود ۱,۷ میلیارد دلار بوده است. این در حالی است که سالیانه ۳,۲ میلیارد دلار هزینه سالیانه تنها به منظور تعمیر و نگهداری تأسیسات پارس جنوبی مورد نیاز است. عدم کفایت درآمدهای صنعت گاز موجب می‌شود تا کسری ۱,۵ میلیارد دلاری از طریق ایجاد بدهی و یا پرداخت از محل درآمدهای فروش نفت جبران شود. سرمایه مورد نیاز برای نگهداشت تولید میدان گازی در ۱۰ سال آتی بالغ بر ۲۲ میلیارد دلار خواهد بود و در صورت عدم سرمایه‌گذاری کافی در این میدان، روند افت تولید از سال ۱۴۰۴ به میزان سالانه معادل ۱ فاز آغاز خواهد شد.

بررسی تاریخی رابطه مالی بخش گاز طبیعی پیش از اجرای قانون هدفمندی وضعیت بهتری داشته است. به طوری که خالص سهم شرکت ملی گاز بیش از بهای تمام شده شرکت بود. تقسیم درآمد این الگو در سال ۱۳۸۴ تا ۱۳۸۹ بر اساس قیمت صادراتی گاز فارغ از تعرفه یارانه نهایی به مشترکین بود. به طوری که سهم شرکت ملی نفت ایران و دولت به ترتیب ۱۱ درصد و ۶۴ درصد از ارزش گاز تولیدی و الباقی سهم شرکت ملی گاز ایران بود. یارانه گاز طبیعی (فاصله با قیمت صادراتی) از محل سهم مالکانه دولت پرداخت می‌شد.